

زمین، سیّاره آسیب‌پذیر

تاریخ اقتصادی کوتاهی از محیط زیست

تالیف:

جان بلامی فاسر

ترجمه:

محسن صفاری



انتشارات جهان ادب

تهران - ۱۳۹۵

عنوان و نام پدیدآور: زمین، سیاره آسیب پذیر: تاریخ اقتصادی کوتاهی از محیط زیست/

تالیف جان بلامی فاستر، ترجمه محسن صفاری

سرشناسه: فاستر، جان بلامی

مشخصات نشر: تهران، جهان ادیب، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۲۴۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۴۰-۳۳-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

بادداشت: عنوان اصلی: The vulnerable planet:

short economic history of the environment, c 199۰

یادداشت: کتابنامه: ص. (۲۲۳) - ۲۴۳.

عنوان دیگر: تاریخ اقتصادی کوتاهی از محیط زیست.

موضوع: تخریب محیط زیست

موضوع: سیاست محیط زیست

شناسه افزوده: صفاری، محسن، ۱۳۲۸، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۲۱۵ ز ۸ ف ۲ / ۱۴۰ GE

رده بندی دیویی: ۳۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۵۸۳



انتشارات جهان ادیب

زمین، سیاره آسیب پذیر

تالیف: جان بلامی فاستر

ترجمه: محسن صفاری

ناشر: انتشارات جهان ادیب

چاپ: اول ۱۳۹۵

چاپ و صحافی: مهدی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۴۰-۳۳-۱

فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، نبش دوازده فروردین، کتاب ادیب / تلفن: ۶۶۹۶۸۷۱-۷۳

قیمت ۱۵/۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۵	یادداشت مترجم
۱۷	زمین، سیاره آسیب‌پذیر ۱۵ سال بعد
۲۱	پیش‌سخن نویسنده
۲۵	فصل ۱: بحران زیست‌بومی
۲۷	شد اقتصاد جهانی
۲۹	جهت
۳۴	ارزی
۳۶	صنعتی شدن
۳۸	شهر
۴۱	دگرسانی کره، بین بوم‌پایه انسان
۵۱	علل فروداشت محیط زیست
۵۳	سیستم
۵۷	فصل ۲: شرایط زیست‌بومی پیش از انقلاب صنعتی
۶۰	زیست‌بوم در جوامع خراج‌سائل
۶۵	سرمایه‌داری پیش از انقلاب صنعتی
۶۷	تخریب زندگی
۶۹	شکار و برده‌داری
۷۴	خاک و تمدن
۸۱	فصل ۳: محیط زیست در دوران انقلاب صنعتی
۹۳	مالتوس و جمعیت
۹۶	مارکس و افزونه نسبی جمعیت
۱۰۲	صنعت‌گرایی و زیست‌بوم‌شناسی رمانتیک
۱۰۷	فصل ۴: قلمرو افزایش و طبیعت پای
۱۰۸	قلمرو افزایش
۱۱۱	طبیعت پای
۱۲۰	شهرها

فصل ۵: امپریالیسم و زیست بوم.....	۱۳۰
— استعمار و زیست بوم.....	۱۳۰
— امپریالیسم زیست بومی.....	۱۳۸
— محیط زیست در دوران جنگ سرد: بوم کشی در اتحاد جماهیر شوروی.....	۱۴۴
— امپریالیسم و بوم کشی.....	۱۵۲
فصل ۶: سیاره آسیب پذیر.....	۱۶۲
— انقلاب علمی-فنی.....	۱۶۳
— عصر سنتز.....	۱۶۸
— چهار قانون زیست‌بومی و تولید اقتصادی.....	۱۷۶
فصل ۷: اجتماعی شدن تولید.....	۱۸۸
— شکست اصلاحات زیست بومی.....	۱۸۸
— انتخاب زیست محیطی.....	۱۹۴
— دو مناسبت.....	۲۰۰
سخن پایانی.....	۲۱۳
توضیحات و منابع.....	۲۲۲

■ یادداشت مترجم

کتاب زمین، سیاره آسیب پذیر از همان صفحات آغازین مراجذب خود کرد. دیدگاه نویسنده در طرح تخریب محیط زیست بر بستری تاریخی و بررسی داده‌های مربوط به دوره‌های تاریخی مختلف بر این زمینه بسیار آموزنده بود و به آگاهی‌های زیست بوم‌ی ام چارچوبی بخشید. اما گذشته از دلبستگی‌ها و آگاهی‌های زیست بوم‌ی، که امروزه بعلت شدت و شتاب گیری بحران در ایران و جهان بسرت در حال گسترش است، رویکرد نویسنده در طرح مشاهداتش از بازگشت به زادگاه خود در کالیفرنیا، مرا به سفری کوتاه به زادگاه خود و مقایسه شرایط گذشته کنونی آن کشانید.

زادگاه و محل زندگی من تا یازده سال متوسطه در سال ۱۳۴۷ شهر خرم آباد لرستان بود. دره خرم آباد در دامنه رشته کوه‌های زاگرس و در میان کوه‌های اسبی کو (سفید کوه) در غرب کمره سی (سیاه کمر) در شمال شرقی و مدبه در شرق قرار دارد. در آن زمان مراتع دامنه‌های اسبی کو و کمره سی بهنگام بهار با پوششی رنگارنگ از گل‌های قرمز شقایق، مینای سفید، و گلی زرد رنگ بر بستری از سبزه‌ها را چون نگینی در میان می‌گرفتند. چشمه‌های پر آب شه و (شاه آباد)، گاو (گلستان)، پاسن (پاسنگر)، گردو بردینه (گرداب سنگی)، و چشمه منتهی به سبزه میدان در جای جای شهر از دل زمین می‌جوشیدند و آب مورد نیاز اهالی را تامین می‌کردند. محله ما پائین دست چشمه شه و بود. آب چشمه، افزون بر تامین آب منازل مسکونی محله در تمام سال،

خانه‌هایی با حوض‌های فواره دار، از بستر دو رود در دو سوی محله جاری میشد که به خرم رود می‌پیوستند. این رود خانه با جمع‌آوری آب شیرین چشمه‌ها و رودهای مناطق شمالی و حاشیه شهر، و نیز آب باران در فصل بارندگی، از شمال به جنوب از میان شهر گذر کرده و در ادامه مسیر به رودخانه‌های بزرگتر کشکان و سپس کرخه می‌پیوست. اما دو رود محله ما، آب شیرین و سرد، و بستری سبز از گیاهان، زیست‌بوم گونه‌هایی از ماهیان، خجنگ، قورباغه، و مار ماهی بودند. زیبایی‌های این ترکیب و هماهنگی طبیعی در نزد مسافران نوروزی، که سر راه خود به جنوب ایران شب را در خرم آباد سر میکردند، یاد و تصویری دل‌انگیز بر جای می‌گذاشت تا در ادامه مسیر، بین خرم آباد و تنگه ملاوی، زیبایی شکوفه‌های پر گل و سبزه رودخانه در دره پائین دست جاده، که در فصل بهار همچون باغی از فریاد بهار می‌گریه می‌کرد، بدرقه راهشان باشد. اما سالیانی پس از انقلاب، بازگشت به شهر در کمال تاسف دریافتیم که از آن زیست بوم و آن چشم‌انداز تنها بقایای اندکی باقی مانده است. همه آن مراتع زیبای کوهپایه‌ها ابتدا برای کشت گندم دیم کم محصول تا گلوگاه کوه‌ها شخم خورده و عریانی شدند و سپس، با توسعه بی رویه، ناهنجار و پر شتاب شهر، به مجموعه‌های نامنظمی یک یا چند طبقه در هم تنیده و بعضاً لانه زنبوری تبدیل شده بودند. از آن زیست بوم زیبای رودهای محله سابق ما چیز چندانی بجای نمانده و بسیار کم آب شده بودند. خرم رود نیز از این رویکرد تخریبی به محیط زیست در امان نمانده و ماهی‌هایی که از پائین دست شهر صید و برای فروش عرضه می‌شدند طعم و بوی نفت و فاضلاب داشتند. البته، رودخانه‌های شهر از

همان گذشته نیز وسیله‌ای برای دور کردن هر نوع پس ماند از خانه‌های پیرامون و نیز فاضلاب شهر از ما بودند. اما با افزایش انفجاری شهرنشینی این تخریب گسترشی بی سابقه یافته بود. هوای لطیف کوهستانی شهر را نیز دم و دم خودروهای دودزا، که چون مهاجمانی آهنین به شهر هجوم برد و بدر از هر نظمی خیابان‌ها و میادین تنگ شهر را در اشغال خود داشتند، تارانده بود. نتیجه این هجوم اینکه در سال ۲۰۱۴، بنا به گزارش سازمان بهداشت جهانی، خرم آباد در فهرست بیست شهر آلوده جهان از نظر وضعیت مو قرار گرفته بود.

البته این گونه تخریب محیط زیست را میتوان در بیشتر شهرهای ایران بخوبی مشاهده کرد، روندی که پس از انقلاب آهنگی تندتر یافت و شدتی بی سابقه گرفت. در سال‌های ۱۳۷۰، مشکلات زیست محیطی یکی پس از دیگری به شکلی هشدار آمیز جلوه می‌کنند. از آلودگی هوای شهرها و ریزگردها و شور و کم شدن آب‌ها، شیرین و خشکیدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها گرفته تا نابودی جنگل‌ها و مراتع، باران‌های اسیدی، بر شمردن همه مشکلات محیط زیست در ایران و همدارهای مسئولین کشور در همین یک سال گذشته فهرستی طولانی می‌تواند در اینجا تنها چند نمونه را می‌آورم:

- **دکتر ناصر کرمی**، اقلیم شناس و استاد دانشگاه برگن نوروژ پس از کنفرانس اخیر سران در پاریس در مقاله‌ای نوشته است: «شواهد اقلیم شناسی دیرینه (پائولو کلیماتولوژی) نشان می‌دهد که در مبداء آغاز کشاورزی در ایران، یعنی حدود هفت هزار سال پیش، میزان بارش سالانه در کشور ما حدود هزار و پانصد میلی متر بوده است. این

میزان بتدریج کمتر و کمتر شد. و حالا به حدود دویست میلی متر رسیده است ... اگر نقطه اوج مدنیت ایرانی را عهد هخامنشی بدانیم، احتمالا در آن زمان ... فی المثل در شوش و مرودشت و زابل همانقدر باران می‌باریده است که هم اکنون در مرکز اروپا می‌بارد. و گر نه هر گز آن جاه و جلال و تاج و تخت پدید نمی‌آمد.»^۱

دکتر محمد جواد بلورچی، مشاور رئیس و سخنگوی سازمان زمین شناسی: «تا سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ میلادی نیمی از پهنه سرزمین ایران در وضعیت خشکسالی قرار دارد. ولی در افاق ۲۰۳۰ میلادی این وضعیت تمام پهنه ایران را در بر می‌گیرد. طبق مطالعات جهانی برای سال ۲۰۲۵ میلادی تا ۲/۱ میلیارد نفر عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم پیش بینی شده است. متأسفانه باید گفت ۳۰ کشور از این مساله آسیب جدی می‌بینند. این نیز جزو این کشورهاست.»^۲

• **خانم معصومه ابتکار** رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست ایران: «یک سوم از ۲۰۰ تالاب ایران در آستانه خشکی قرار دارند. خشک شدن تالاب‌ها به معنی انقراض چندین نوع از جانوران و گونه‌های گیاهی است که در تالاب‌ها زندگی می‌کنند. نیز بودی ایستگاه‌های زندگی پرنندگان مهاجر، افزایش شوری خاک در تالاب‌ها و زمین‌های مجاور، اختلال در کشاورزی و ایجاد ریزگردها.»^۳

^۱ "ایران کجای بازی ایستاده است"، تارنمای بی بی سی فارسی، ۱۱ دسامبر ۲۰۱۵.

^۲ خبرگذاری آب و انرژی، آبان ۱۳۹۴.

^۳ تارنمای عصر ایران، ۱۸ خرداد ۱۳۹۴.

- **خانم ابتکار:** «رد پای اکولوژیک ایران (تاثیر توسعه بر طبیعت) ۳/۵ برابر ظرفیت اکولوژیک کشور است.»^۱
- **خانم زهرا جواهریان** مدیر کل دفتر توسعه پایدار و اقتصاد محیط زیست ایران: «حد مجاز استفاده از آب های تجدید پذیر کشور ۲۰ درصد است، مصرف ۴۰ درصد یعنی کشور در معرض خطر است. مصرف ایران ۸۵ درصد است یعنی وضعیت بحران. البته رقم ۹۷ درصد نیز توسط کمی کارشناسان ذکر شده است.»^۲
- **عیسی کلانتری** مشاور اول رئیس جمهور و وزیر اسبق کشاورزی: «مصرف نادرست آب در کشاورزی باعث کاهش منابع زیرزمینی آب شده و اگر با همین منوال پیش برود، ۵۰ میلیون نفر برای گریز از بی آبی ناچار از مهاجرت از کشور خواهد بود.»^۳
- **رضا نجفی** به نقل از مرکز پژوهش های مجلس: «سالانه نزدیک به ۴۰ هزار شهروند تهرانی به دلیل مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا، که چهار برابر بیشتر از مرگ و میر ناشی از بیماری ایدز است، می میرند. از سوی دیگر خشک شدن دریاچه اورومیه و تبدیل ۳۹۰ هزار هکتار از اراضی آن به کویر که بزرگترین رخداد بیابان زائی قرن بیست و یکم قلمداد شده است ... زندگی شش میلیون نفر را در معرض تهدید قرار داده است. در جریان خشک شدن زاینده رود، حدود یک میلیون و پانصد هزار درخت در حواشی این رود و باغات اصفهان و حومه و البته تالاب گاو خونی

^۱ پایگاه اطلاع رسانی محیط زیست، ۴ بهمن ۱۳۹۴.

^۲ تارنمای بی بی سی فارسی، ۹ مه ۲۰۱۵.

^۳ روزنامه شهروند، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۴.

خشک شدند ... دریاچه پریشان با عنوان بزرگترین دریاچه آب شیرین داخل کشور کاملاً خشک شد ... باید به بدترین وضعیت تالاب‌های بختگان، انزلی، میقان، طشک، کم جان، مهارلو، میانکاله، گندمان، شادگان، هورالهویزه، هورالعظیم، و غیره نیز اشاره کرد. هم چنین بطور کلی نیمی از جنگل‌های ایران در سی سال گذشته نابود شده و مساحت آن‌ها به ۱۲ میلیون هکتار رسیده است.^۱

این گونه نمودهای بحران زیست بومی، گرچه در ایران و بعضی مناطق دیگر جهان شدت و حدت بیشتری دارد، اما از آنجا که نمودهای بحرانی جهانی است که کره زمین و از اینرو زندگی همه گونه‌های زیستی موجود در آن را تهدید می‌کند، اینک بسرعت در حال تبدیل مشکلات محیط زیستی به یک آگهی جهانی می‌گانی است. در جریان کنفرانس سال ۲۰۱۵ تغییر اقلیم سازمان ملل در پاریس، رسانه‌های جمعی، کنشگران و جنبش‌های زیست محیطی، و زیست‌بوم‌شناسان با گزارش‌های خبری کنفرانس، تظاهرات خیابانی برای درخواست ویکردهای رادیکال‌تر، و مصاحبه‌ها و نوشته‌های خود، بحران محیط زیست را از جنبه‌های گوناگون آن در سطح جهان بازتاب دادند.

کنفرانس پاریس، تحت تاثیر بحران زیست بومی، انسان‌ها را به تلاش پر رنگ انسان و فعالیت‌های اقتصادی نظام جهانی تولید در گسترش زیست‌بخشیدن این بحران در پژوهش‌های علمی، و نیز فشار افکار عمومی، به مسئله گرمایش زمین پرداخت. این کنفرانس، و توافقاتی که بعمل آمده در آن، اگرچه در صورت

^۱ ماهنامه خط صلح، شماره ۳۵ فروردین ۱۳۹۳.

اجرای شدن می‌تواند گامی مثبت در تغییر رویکرد به سوخت‌های فسیلی باشد، اما واقعیت داوطلبانه بودن اجرای توافقی‌ها و نیز ساز و کار اقتصاد جهانی، که هنوز موتور محرکه آن سوخت فسیلی است، اجرای آنها را مانند توافقی‌های اجرا نده پیشین^۱ با تردید روبرو می‌کند. دکتر کرمی با توجه به این توافقی‌ها در مباحث با بی بی سی فارسی می‌گوید:

«سال ۲۰۱۵ گرمترین سال جهان بوده است ... در همین سال سرمایه‌گذاری برای توسعه منابع نفتی و توسعه و بهره‌برداری از سوخت‌های فسیلی ۵۰ برابر بیشتر از سرمایه‌گذاری روی انرژی‌های نو بوده ... چون کماکان منبع اقتصاد جهان، ساز و کار اقتصاد جهان، ساز و کار نظام سرمایه‌داری دنیاست استفاده بیشتر از سوخت‌های فسیلی است ... امسال که سال ۲۰۱۵ است زمین رکورد یک درجه گرمتر شدن را پشت سر گذاشته است. الان وارد کانال درجه دوم گرمتر شدن شده ایم ... با همین دو درجه کشاورزی در خیلی از مناطق جهان نابود خواهد شد ... مثلاً حدود نیمی از ایران نابود می‌شود ... سرچال‌ها نابود می‌شوند و خیلی از گونه‌های زیستی نابود می‌شوند.»

۲۳ سال پیش از کنفرانس پاریس، یعنی در سال ۱۹۹۲ سازمان ملل کنفرانس دیگری در ریو دوژانیروی برزیل با عنوان «محیط زیست و توسعه» برگزار کرد. در جریان آن کنفرانس، دختر ۱۲-۱۳ ساله‌ای به نام سوزون سوزوکی^۲ به نمایندگی از سازمان کودکان برای محیط زیست سخنانی بسیار

^۱ پیمان کیوتو، کنفرانس کپنهاگ.

^۲ دختر دیوید سوزوکی، جانور شناس، کنشگر برجسته کانادایی محیط زیست و تهیه کننده و مجری برنامه تلویزیونی «ماهیت پدیده‌ها» در شبکه سراسری بی بی سی.

فراگیرتر از موضوع آن کنفرانس و کنفرانس پاریس بیان کرد. سخنانی که اگر می‌توانست سرلوحه دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و صاحبان منافع قرار گیرد تغییرات شگرفی در رویکرد جهان به زیست‌بوم را بوجود می‌آورد. در اینجا ترجمه بریده‌ای از سخنان او را می‌آورم:

«من اینجا آمده‌ام تا ... برای آینده‌ام مبارزه کنم. از دست دادن آینده برای من مانند بازنده شدن در انتخابات یا از دست رفتن مقداری پول در بازار سهام نیست. من اینجا هستم تا برای نسل‌های آینده صحبت کنم. اینجا هستم تا برای کودکان گرسنه‌ای صحبت کنم که فریادشان شنیده نمی‌شود. من برای حیوانات بیشماری صحبت می‌کنم که در سراسر این کره در حال مرگ و زنده ماندن دیگر جای زندگی برایشان نمانده است.

من می‌ترسم. می‌ترسم در روزی آفتابی بعثت سوراخ‌های لایه اوزون از خانه بیرون بروم. می‌ترسم بکشم، دره‌وایی که نمی‌دانم به چه مواد شیمیایی‌ای آلوده است. از می‌گیری هم می‌ترسم. پیشترها، در زادگاهم ونکوور با پدرم به صید ماهی می‌رفتیم، تا تنها چند سال پیش که دریافتیم ماهی‌ها مملو از سرطان است. اکنون از حیوانات و گیاهانی می‌شنویم که هر روزه رو به انقراض‌اند، گونه‌های ریستنی که برای همیشه ناپدید می‌شوند. در طول زندگی‌ام توانسته‌ام رؤیاهای بزرگ حیوانات وحشی، جنگل‌ها و جنگل‌های استوایی پر از پرندگان و پروانه‌ها را داشته باشم. اما حالا تردید دارم که این رؤیاهایم برای فرزندان من هم باقی بمانند. آیا هنگامی که شما به سن من بودید چنین نگرانی‌هایی داشتید؟ ...

من تنها یک کودکم و راه حل ها را نمی‌شناسم اما قبول کنید که شما نیز راه حل همه این مشکلات را نمی‌شناسید. نمی‌دانید چگونه سوراخ‌های اوزون را ترمیم کنید، چگونه ماهی آزاد را به جوی خشکیده‌ای باز گردانید، چگونه حیوان انقراض نسل شده‌ای را زنده کنید، و نمی‌دانید چگونه جنگل‌های در حال رشدی را که اینک بیابان شده‌اند باز گردانید. اگر نمی‌توانید آنها را درست کنید، خواهش می‌کنم تخریب را متوقف کنید ...

من تنها یک کودکم، اما میدانم همه ما اعضای یک خانواده قوی پنج میلیارد نفری هستیم. ما در خفایت متعلق به یک خانواده متشکل از سی میلیون گونه‌های زیستی ... این مشکلات، مشکلات همه ماست و باید به‌عنوان دنیایی یکپارچه برای منی یک رچه تلاش کنیم. »

۲۳ سال پس از این سخنان، کنفرانس سازمان ملل در پاریس تنها به بخشی چشمگیر از بحران زیست محیطی بسیار فراگیری پرداخته است که هم اکنون پیش رو داریم. بحران فراگیری که رویارویی با آن نیازمند راه حل‌هایی فراگیر و بازنگری ریشه‌ای در ساختارهای اجتماعی وجود است. کتاب زمین سیاره آسیب‌پذیر با نگاهی تاریخی، ابتدای رابطه انسان و طبیعت در تمدن‌های اولیه می‌پردازد. نویسنده با نشان دادن این رابطه در تمدن سومر، امپراطوری روم، و تمدن مایا نشان می‌دهد که چگونه شکل‌گیری قدرت‌ها، جمعیتی فزاینده، جنگ و نیاز به تغذیه سربازان و دیگر نیروهای غیرمولد موجب بهره‌کشی بیش از حد از خاک و آب شده و با کاستن از توان تولیدی خاک، باتلاقی و شور شدن زمین‌های کشاورزی، و جنگل زدائی و بیابان زائی زمینه‌های زوال این تمدن‌ها فراهم

آمده است. پس از آن با تشریح شرایط زیست‌بومی پیش، در جریان، و پس از انقلاب صنعتی، رویکرد ها و نظریات مختلف به عوامل تخریب محیط زیست، یعنی جمعیت، فناوری، و نظام تولید را تشریح می‌کند. نویسندگان در تشریح خود رویکردهای واپس‌نگرانه به ماشین، فناوری، و بشریت، همچنین رویکرد مالتوس به مسئله جمعیت را به نقد می‌گیرد. غرض از آن او یادآور می‌شود که رویکرد تخریبی جامعه صنعتی به طبیعت ریشه در دیدگاه فلاسفه عصر نوزایی دارد. برای نمونه از فرانسوا بیکن نقل می‌کند که غلبه بر طبیعت «وظیفه راستین و مقدر نژاد انسان است» و طبیعت باید تبدیل به «برده» شود.

فاستر با مرور مراحل مختلف رشد سرمایه‌داری در اروپا، آمریکا، و جهان پیرامون نشان می‌دهد که این نظام، با وجود همه دست‌آوردها، طبیعت و مردم را به عمرانی آوارگی برای برآوردن نیازهای سرمایه‌داری تلقی کرده و به گفته او «هر مرحله از توسعه سرمایه‌داری یعنی سوداگری، سرمایه‌داری اولیه صنعتی، و سرمایه‌داری انحصاری در واقع مرحله‌ای از گسترش این رابطه امپریالیستی با که زمین بوده است». نویسندگان البته از توضیح و تشریح شرایط محیط زیست در اتحاد جماهیر شوروی سابق هم غافل نمی‌مانند و نشان می‌دهند که سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی و صنعتی آن نظام، زیر فشار شدید رقابت و مسابقه همه جانبه با سرمایه‌داری پیشرفته غرب، در برخی زمینه‌ها لطماتی حتی بیشتر از سرمایه‌داری در آمریکا، نه تنها به محیط زیست آن کشور، که در یک نمونه، حتی به اقیانوس‌ها وارد کرده است.